نگاه کارشناس

عالیجناب آمریکا در تاشکند

کریگ موری*
ترجمه: حسن بنانج

دادگاه موقعیتی شد تا من با این شهر آشنا شوم. من به عنوان سفیر انگلیس تازه به تاشکند، پایتخت قدیمی ازبکستان از زمان جاده ابریشم، وارد شده بودم و در دادگاه یک مخالف ۲۲ساله دولت با نام «اسکندر خودربگان اف» حاضر شدم. این جوان لاغر به همراه پنج مسلمان دیگر به چند جنایت از جمله عضویت در یک سازمان تروریستی مرتبط با القاعده متهم بود. آن شش نفر به سختی کنار هم در یک قفس که ۱۴ سرباز کلاشینکف به دست از آن محافظت می کردند، جای داده شده بودند. قاضی طوری رفتار می کرد که گویی به دفاعیات گوش نمی کند. انگار فیلم کوتاهی که من از دادگاه نازی ها دیده بودم، تکرار می شد.

روز بعد نامه ای روی میز قرار داشت؛ درون نامه عکس هایی از جنازه مردی وجود داشت که در دخمه های ازبکستان زندانی بود. به من گفته شد که نام این مرد مظفر آوازاف است. صورتش خون آلود بود و بر روی اعضای بدنش هم آثار کبودی دیده می شد. ما عکس ها را برای دانشگاه گلاسکو فرستادیم. دو هفته بعد گزارش پاتولوژی جنازه رسید. در این گزارش آمده بود که ناخن های آن مرد کشیده شده بود. او را به شدت مضروب کرده و زنده زنده در آب جوش قرار داده اند.

این در واقع خوشامدگویی من به ازبکستان بود که هم پیمان آمریکا و انگلیس در جنگ علیه ترور محسوب می شود. اگر راستش را بخواهید این کشور باعث شد که من شغلم را از دست بدهم. برای این که صادق تر باشم باید بگویم این کشور باعث شد که من به جهانی کافکایی که سانسور در آن امری عادی است وارد شوم و مرا با گونه ای از ترور آشنا کرد.

در اینجا به هیچ مخالفی اجازه فعالیت داده نمی شود. رسانه های تحت کنترل دولت و احزاب مخالف از شرکت در انتخابات محروم هستند. میلیون ها نفر از جمله کودکان با مشقت در مزارع بزرگ دولتی پنبه کاری می کنند و برای ۷۰ ساعت کار در هفته فقط دو دلار دریافت می کنند. کار آنان ازبکستان را به دومین صادر کننده پنبه در جهان تبدیل کرده است. بیش از ۱۰ هزار تن از مخالفان دولت، زندانی هستند. بسیاری از آنان از طرفداران دموکراسی هستند، اما کسانی هم که گرایشات مذهبی دارند، دستگیر می شوند. بسیاری از این نوع زندانیان مسلمان هستند، با این حال طرفداران فرقه های مسیحی باپتیسیسم و یهووا نیز هر روز مورد محاکمه و پیگرد قانونی قرار می گیرند.

من اینها را در کشوری شاهد بودم که به عنوان دوست استراتژیک آمریکا محسوب می شود و تلاش دارد تا در زمره هم پیمانان طراز اول آمریکا پس از حملات ۱۱ سپتامبر جای گیرد. کریم اف به آمریکا اجازه داد تا کارشی- خان آباد اصلی ترین پایگاه هوایی شوروی سابق را در اختیار گیرد و از آن در جنگ علیه کشور همسایه «افغانستان» بهره گیرد. چند هزار نیروی آمریکایی که در این پایگاه مستقر شدند، اولین آمریکایی هایی بودند که اجازه یافتند در خاک شوروی سابق خدمت کنند. کریم اف نیز به پاس این لطف در ماه مارس ۲۰۰۲ مهمان بوش در کاخ سفید شد.

چند ماه بعد هنگامی که من به تاشکند وارد شدم، مشخص بود که آمریکا به گونه ای شایسته همکاری کریم اف را ارج خواهد گذاشت. صدها میلیون دلار از کمک های آمریکا به این کشور سرازیر شد. دولت آمریکا در توجیه این عمل خود بارها تاکید کرد که دولت ازبکستان در راستای حقوق بشر و دموکراسی به پیشرفت های خوبی دست یافته است. بر اساس گزارشی که دسامبر ۲۰۰۲ توسط سفارت آمریکا در تاشکند در اختیار رسانه های محلی قرار گرفت، رژیم کریم اف طی همان سال بیش از ۵۰۰ میلیون دلار از کمک های آمریکا را دریافت کرد. این کمک شامل ۱۲۰ میلیون دلار برای نیروهای ازبک و بیش از ۸۰ میلیون دلار برای بهبود توانایی سرویس های امنیتی ازبکستان که جانشین KGB محسوب می شدند، بود.

بخش اول

هایدگر و سیاست

علی نیان

یکی از فیلسوفان جنجالی قرن بیستم که در ایران نیز طرفداران جنجالی داشته، مارتین هایدگر (۱۹۷۶-۱۸۸۹) است. او از جمله روشنفکرانی است که مستقیماً با حکومت همکاری داشته و این همکاری برایش دردسرهایی را نیز به همراه آورده است. همکاری با ناسیونال سوسیالیسم (نازیسم) هرچند در جهت رسیدن به آرزوهایش بود ولی اینکه خود او هم به این آرزوها نرسید جای بسی تامل دارد. در اروپا همچنان مطالب جدیدی در خصوص نوع همکاری وی با نازیسم به چاپ می رسد و انتقادهای زیادی چه در دوران حیات وی، و چه هم اکنون بر نظرات و رفتار وی وارد می شود. اما در هر حال او یکی از تاثیر گذارترین فیلسوفان قرن بیستم است و کسی است که برای مطالعه در خصوص اگزیستانسیالیسم، هرمنوتیک، پدیدار شناسی و پست مدرنیسم بایستی برآثار او را خواند. هایدگر در اوایل دهه ۱۹۳۰ در دانشگاه فرایبورگ با نازی ها ارتباط پیدا کرد و در سال های پس از رسیدن هیتلر به قدرت، همکاران هایدگر از او خواهش کردند برای کمک به حفظ استقلال دانشگاه، ریاست آن را بپذیرد. البته او خود نیز امید زیادی به نازیسم داشت و معتقد بود که نازیسم را می شود در جهت حصول تجربه ای بنیادی از هستی انسان سوق داد که بتواند اساسی برای اخلاق و سیاست اصیل تری قرار گیرد. به نظر هایدگر در این طرح اصلاحی و تغییر جهت، دانشگاه های آلمان می بایست نقش راهنما داشته باشند و محتوایی به آن نهضت سیاسی بدهند. او معتقد بود برای ایجاد آلمانی اصیل باید دانشگاه ها اصیل و فعال شوند و هایدگر گمان می برد که در این کار احتمالاً کامیاب خواهد شد، کمااینکه وقتی به ریاست منصوب شد (۱۹۳۳ و ۱۹۳۴) سخنرانی ای با نام «عرض اندام دانشگاه در آلمان» ایراد کرد که بازتاب آرزوهای او بود. اما امید و آرزوهای هایدگر به زودی پنداری پوچ از آب درآمد. بین او و نازی ها در اثر مقاومتش در برابر برنامه نازی کردن دانشگاه ها و بی میلی اش به اخراج اعضای یهودی هیات علمی اختلاف پیش آمد و کوشش هایش برای مصالحه مقامات نازی را راضی نکرد.

هایدگر نکات مثبتی در نازیسم می دید و امید زیادی بدان داشت. او در سال ۱۹۳۵ در درس هایش «مدخلی بر مابعدالطبیعه» از «حقیقت و عظمت ذاتی این نهضت» سخن گفت و تصور می کرد که همچنان می تواند پیروز میدان باشد. ولی در این راه هیچ کدام از آنان پیروز نشدند نه نازیسم، نه دانشگاه و نه هایدگر.

■ اشاره ای به فلسفه هایدگر

در اندیشه هایدگر یکی از کلیدی ترین واژه ها هستی (existence) است که مفهوم بودن، موجود بودن، برون جستگی و هستی را می دهد و در مقابل عدم قرار می گیرد. همواره یکی از سئوالات اساسی در آثار هایدگر هستی موجودات است و در کتاب هستی و زمان، او هدف کتاب خود را کشف معنای هستی از راه تحلیل هستی انسان بر اساس بودن در ظرف زمان می داند. در واقع درک رابطه هستی و زمان به وسیله تحقیق در نحوه اتحاد آنها در آدمی به عنوان موجودی تاریخی. مفهوم هستی یعنی وجود داشتن است، اینجا بودن و بودن است. هستی موجب شناخت جهان، آدمی و فهم انسانیت است. شناخت هستی یعنی رابطه این جهانی و هستی با انسان معنی می یابد. هایدگر هستی را از راه پژوهش درباره انسان طرح می کند زیرا عقیده دارد که بشر دارای رابطه ای ویژه با هستی است. آدمی یگانه موجودی است که وجودش صورت سئوال دارد به عبارت دیگر تنها موجودی است که درباره اینکه قرار است چه باشد و درخصوص آینده خویش و امکانات هستی خود نگرانی به دل دارد. یک شیء هرگز نخواهد دانست به کجا می رود و سئوالی در این رابطه نخواهد داشت. اما انسان به نظر هایدگر چنین غایت و سرمنزل معینی ندارد بنابراین آینده او همواره به صورت سئوال نزدش مطرح است. هایدگر مفهوم انسان را با مفهوم دازاین تکمیل می کند. او دازاین را در بسیاری از جاها به جای انسان به کار می برد و بعضاً در آثار هایدگر دازاین به معنی انسان است. da یعنی جا، مکان و sein یعنی بودن و در تعبیر هایدگری دازاین یعنی (در آنجا - بودن) است. دازاین یک رخداد است. یک واقعه است که میان تولد و مرگ اتفاق می افتد. دازاین در واقع بر سه مفهوم «وضع» و «فهم» و «سخن» مشتمل می شود. او معتقد است که خصلت اصلی انسان در - عالم - بودن است و انسان تقدمی در «در- عالم - بودن» ندارد و انسان موجود نیست مگر اینکه در عالم باشد و در واقع «حضور» به انسان معنی می دهد. و همه ممکنات در صورت «حضور» ممکن خواهند شد. می توان گفت به تعبیر هایدگر آدمی در وجه هستی شناسانه خود همیشه یک «ممکن بودن» است این «ممکن بودن» یعنی بنیادی ترین خصلت هستی شناسانه و نیز وجه نهایی هستی حضور آدمی است.

■ هایدگر و نهیلیسم

یکی از واژه هایی که هایدگر به کمک آن سعی دارد وضعیت دنیای مدرن را بشناساند نهیلیسم است. نهیلیسم، به نظر هایدگر، واپسین پیامد سوء تصوری بنیادی درباره هستی یا، به اصطلاح او، فراموشی هستی است. یکی از خصوصیات اندیشه هایدگر این است که او برای به ظاهر انتزاعی ترین و دور ترین ملاحظات نظری، عمیق ترین اهمیت عملی را قایل است.

نهیلیسم در نظر هایدگر کارکردی دوگانه دارد و عملکرد بسیاری از آن منتج می شود. در واقع نهیلیسم به نظر هایدگر صرفاً منفی نیست بلکه نمایانگر دو امکان مختلف است از سویی فراموشی هستی و منجر شدن آن به انکار هستی. لذا انکار کلیه مقولات و معیارها، چیرگی مبتذل ترین و وحشیانه ترین احساسات را ممکن می کند. از سویی دیگر، بر افتادن مقولات و معیارها، راه را برای حصول تجربه ای بدیع از اسرار و شگفتی های وجود می گشاید که از زمان افلاطون و ارسطو به بعد امکان پذیر نبوده است. پس نهیلیسم هم بزرگترین فاجعه اخلاقی و سیاسی ۲۵۰۰ ساله گذشته و هم بزرگترین امکان فلسفی در این مدت بوده است. بنابراین هایدگر معتقد است که نهیلیسم، هم حاوی امکان نابودی خود و هم امکان نجات و رستگاری بشر است. منتها این امکانی است که باید مغتنم شمرده و به فعلیت رسانده شود و لذا می تواند مغفول بماند و از دست برود. آدمی به نظر هایدگر در معرض این خطر است که احیاناً باور کند نهیلیسم، انحرافی اخیر، از سنتی از جهات دیگر سالم است که می تواند با مختصر تصحیح و اصلاحی دوباره روی عافیت ببیند. پس باید به جای این ماهیت نهیلیستی و درمان ناپذیر، کل سنت غربی را تشخیص داد و به آن پشت کرد.

■ هایدگر و آزادی

مدرنیته همواره سعی دارد که همه مسایل را در محوریت انسان دنبال کند و انسان را سوژه همه امور قرار دهد. الگوهای سوژه محور - انسان محور که انسان شناسنده خود- بنیاد را اصل قرار می دهد و اصیل می داند الگویی فردی، تک ذهنی و تک گو است که کانت نیز اصلی ترین اندیشمند آن است و در مقابل این الگو، الگوی بیناذهنیت قرار دارد که الگوی بینا - سوژه ای است و تعامل دارای محوریت است. هوسرل و مرلوپونتی و هابرماس در این دسته قرار دارند. هابرماس در زمینه عمل گرایی (پراگماتیک) فلسفی و نظریه کنشی (پراگماتیک عام) قایل به وجود خصلت «تفاهمی» برای آزادی است. اما الگوی دیگری که در این میان وجود دارد الگوی «وجودشناسانه» است. این الگو مبتنی بر تفکری است که انسان را در تعامل با عالم زندگی، و لذا «وجودی»، می شناسد. الگوی آزادی «وجودشناسانه» در ترک سوژه تک گو با نگرش انتقادی همصدا است؛ اما نگرش متفاوت آن در باب انسان به نظریه ای متفاوت درباره آزادی منتهی شده است. هایدگر همواره طرفدار این ایده و نگرش بوده است. این الگو ناقد مدرنیته و نگرش متافیزیکی است و آدمی را از نظر وجودی، هم مقید می شناسد و هم آزاد. در این گونه انسان شناسی، آدمی مقید است به آنچه که بودن او در دنیا از پیش تعیین می کند، و آزاد است برای بودن به گونه ای که بودن در دنیا امکان آن را برای وی فراهم آورده است. در الگوی وجودشناسانه، به جای محوریت سوژه انسانی، تأکید بر «در- جهان- بودن» آدمی است. در این الگو، انسان از یک سو علیه تسخیر شدن، مسخ شدن و مستعمره شدن عصیان می کند و از سوی دیگر از «خود- محوری» اعراض می کند. آرای هایدگر از جمله شاخص ترین انواع تفکر غیرسوژه محور در باب آزادی است. نزد هایدگر آزادی موضوع اصلی در تفکر فلسفی است. وی آزادی را چون دیگر مقولات از منظری غیرمتافیزیکی مورد بحث قرار داده است و تلاش دارد فارغ از دو قطبی اندیشیدن بین جبر و آزادی به این مقوله بپردازد.

همان گونه که در قبل آمد وجه هستی شناسانه انسان ممکن بودن وی است و این ممکن بودن به انسان توان آزادی را می دهد و حضور وی با آزادی همراه است و می تواند در انتخاب خود آزاد باشد. البته هایدگر آزادی در صورت شرایط مساوی را رد می کند و علاقه ای به این مبحث ندارد

هایدگر همچنین با بحث حقیقت سعی دارد نشان دهد که انسان با سعی خود در آزادی موجب آشکار شدن حقیقت می گردد چرا که به نظر وی حقیقت به کتمان شدن سوق دارد و در خفا خواهد ماند و باید کشف گردد. در واقع هایدگر می گوید انسان مراقب آزادی است و سرشت حقیقت نیز آزادی است.

■ هایدگر و زندگی سیاسی

هایدگر در راستای پروژه خود که نقد مدرنیته است سعی دارد که همه ایدئولوژی های مدرنیته را به نقد بکشد هرچند سعی ندارد تا خود دنیای جدیدی را طرح ریزی کند، ولی همواره سعی دارد که نواقص انواع حکومت ها و ایدئولوژی را آشکارکند. او در این راستا به سه شکل زندگی سیاسی در مرحله فرجامین مدرنیته می پردازد: آمریکایی مآبی، مارکسیسم، نازیسم. به نظر او هیچ یک از این سه، چیزی جز صورتی دیگر از نهیلیسم نیست. ویژگی هر سه، سلطه دیکتاتورمآبانه امر همگانی بر امر خصوصی و غلبه علوم طبیعی و اقتصاد و سیاستگزاری عمومی و تکنولوژی است. آمریکایی مآبی، به عقیده هایدگر، لیبرالیسم یا دموکراسی نیست؛ صورت خاصی از پوزیتیویسم منطقی و خادم علم و تکنولوژی است. واقعیت آمریکایی مآبی، صنعت به شکل متکثر و عظیمی است که مرکز برنامه ریزی برای اقتصاد و تکنولوژی است و نیروی کار مردم عادی را سازمان می دهد و سلطه خود را در سراسر جهان می گستراند. مارکسیسم نیز به همین وجه صرفاً حزب یا جهان بینی خاصی نیست، بلکه به معنای ارتقای فرآیند تولید به مقام چیرگی و در نتیجه، پایین آوردن انسان به سطح موجودی محصول جامعه است. آمریکایی مآبی و مارکسیسم هر دو معنویت یا روحانیت انسانی را سوء تعبیر می کنند و آن را حسابگری و عقلی می پندارند و از این رو، از فهم ضرورت درک و سنجش هستی قاصرند. حد نهایی این قسم بی فکری، نازیسم است که غریزه را به جای عقل می نشاند و اندیشه مدرن را تکمیل و معکوس می کند. غریزه از ذاتیات نژاد معرفی می شود نه فرد. و رهبرانی در مقام سخنگوی آن قرار می گیرند که می خواهند به طرفداری از ذات فاعلی نژاد سخن بگویند غریزه های آنان از عقل که در اثر نهیلیسم فلج شده است در می گذرد و به عمل می رسد و بدین ترتیب موجد پندار پوچ یقین و ایمنی نمی شود. منتها نازیسم غافل است از اینکه فرق «فوق انسان» و «دون انسان» فرقی بی پایه و خودسرانه است زیرا این دو هر دو علی الاصول به مرتبه حیوان تنزل داده شده اند. او معتقد است که فاشیسم نابودکننده اصالت انسان است و مدرنیته نیز منتهی به فاشیسم است و انسان در مسلخ زندگی های امروزی قربانی می شود. پس شکل های مختلف زندگی مدرن چیزی نیستند مگر صورت نهادینه شده نهیلیسم. ولی این امر ناشی از خصلت معیوب مدرنیته نیست، زیرا مدرنیته نیز مانند نهیلیسم تالی نهایی برنامه ای متافیزیکی است که از یونانیان آغاز شد.

■ نتیجه

هایدگر از جمله متفکران و روشنفکرانی است که خود درگیر حکومت بوده است و از نزدیک با ایدئولوژی آن حکومت سروکار داشته است هرچند که آن حکومت نازیسم باشد اما می تواند نقش بسزایی در سرنوشت و آینده روشنفکر داشته باشد. او ابتدا با نازی ها به امید اعتلای آلمان و همچنین نوع بشر همکاری کرد ولی در آینده نزدیک به دلیل تندروی های سیاستمداران و ایدئولوگ های نازی از آن سرخورده شد و به آرمان های خود نرسید. اما در کلیه آثار خود نقدش را از سه شکل ایدئولوژی مهم قرن بیستم یعنی لیبرالیسم، که نماد آن در آثارش آمریکا و مارکسیسم و فاشیسم، که نمادش نازیسم آلمان است، رها نکرد. او آینده مدرنیته را نهیلیسم و پوچی می داند چرا که او عقل گرایی صرف را نتیجه ای جز پوچی نمی داند. او معتقد است انسان با فراموشی هستی هر روز، گامی به سوی نابودی و صدالبته به سمت پوچی گام برمی دارد. او هر گونه فعالیت سیاسی انسان مدرن را ختم به فاشیسم می داند. او معتقد است انسان ها به دلیل مسخ شدن در عقل گرایی صرف و زندگی مدرن به سمت پوچی سیر می کنند و هیچ دولتی چه لیبرالیسم با آمریکا مآبی اش و چه مارکسیسم و چه فاشیسم، انسان را به سمت اصالت و اصل او راهنمایی نمی کند. او اگزیستانسیالیستی است که می خواهد نجات بخش انسان باشد و به او پیشنهاد می کند که اصیل زندگی کند. او انسان ها را به دلیل تمایزشان جدا می داند و تفرد را به نوعی ارج می نهد.

تعریف او از آزادی نیز خاص است. او در فلسفه خود نسبت به آزادی نگرشی کاملاً غیرمتافیزیکی دارد و نتیجتاً نگرشی هستی مدار و وجودی نسبت به آزادی دارد، آزادی نیز مشروط به بودن انسان است و بر اساس ایجابی است که این بودن برایش فراهم آورده است. حال این تناقض را انسان با بری شدن از تسخیر شدن های این جهانی حل می کند و آزادی او یعنی انتخاب اصالت و دوری جستن از ذلت هایی که در بودن در عالم شامل حال انسان می شود.

منابع:
۱- عزت الله فولادوند، خرد در سیاست تهران، طرح نو، سال ۱۳۷۷.
۲- مقاله هایدگر و آزادی، دکتر عباس منوچهری، مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، سال ۱۳۸۴.
۳- خاتمی، محمود، جهان در اندیشه هایدگر، (مؤسسه دانش و اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۷۹).
۴- کهن، لارنس، از مدرنیسم تا پست مدرنیسم، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱.

اندیشه سیاسی

نگاهی به پیامدهای سیاسی اندیشه کی یرکگور

حوزه عمومی و قدرت سیاسی

نادر شهریوری

این دو مسئله یعنی انتقاد بی رحمانه از دنیای مدرن همراه با نگاه به گذشته به نقطه آغاز، به خوبی در نوشته ای از وی که در ذیل می آید مشخص است: «بگذار دیگران شکوه کنند که عصر ما عصر شرارت است، شکوه من این است که عصر ما عصر بیچارگی است، چون شور ندارد. فکر آدم ها ضعیف و سست است مثل نخ باریک... آنچه در دل می پرورانند حقیرتر از آن است که گناهکارانه باشد... شهواتشان بی قوت و هیجان است. شور در دلشان خفته است. وظیفه شان را انجام می دهند... برای همین است که روح من همواره به سوی عهد عتیق بازمی گردد... احساس می کنم دست کم آنهایی که آنجا حرف می زنند (در عهد عتیق) آدمند: نفرت می ورزند، عشق می ورزند، دشمنانشان را می کشند... گناه می کنند.»[10]

اگر به جای کلمه «عهد عتیق»، «یونانیان پیش از سقراط» را قرار دهیم هر خواننده ای گمان می برد که در حال خواندن نوشته ای از نیچه است.

کی یر کگور در بخشی از کتاب یک بازبینی ادبی نوشته شده به سال ۱۸۴۶، تحت عنوان «عصر حاضر» هشدار می دهد که مشخصه عصر او اندیشه بازتابی بی اعتنایی است که همه تفاوت ها را در مرتبه و ارزش از بین می برد. به گفته او این اندیشه بازتابی بی اعتنا به همه تمایزهای کیفی را همسان می کند، همه چیزها با هم برابرند به طوری که هیچ چیز آنقدر مهم نیست که فرد مشتاق به مخاطره انداختن خود برای آن باشد. نیچه به این وضعیت مدرن نامی داد او این وضعیت را نهیلیسم نامید. کی یر کگور مقصر این همسان سازی را چیزی می داند که آن را عموم (public) می نامد. او می گوید برای اینکه همسان سازی به طور کامل روی دهد ابتدا باید شبحی ایجاد شود، جوهر آن انتزاعی غول آسا است، چیزی فراگیرنده، همه چیز که هیچ چیز نیست یک سراب - این شبح عموم (public) است.[11] پس عموم (public) به مثابه یک شبح، یک غول انتزاعی، که کشتارگاه فرد است و در این میانه نماد این انتزاع را افکار عمومی و مطبوعات می داند. او در اظهارنظر غریبی که در خاطراتش منعکس است می نویسد: «در واقع این مطبوعات و اختصاصاً روزنامه ها هستند که... مسیحیت را ناممکن می کنند ادعایی که شگفت آور به نظر می رسد.»[12]

چرا او مطبوعات و افکار عمومی را مسبب ناممکن بودن مسیحیت تلقی می کند؟ شاید به این دلیل که آن را سرچشمه همسان سازی و یکسان سازی توده در نظر می گیرد. از نظر او فرد مسیحی کسی است که شخصاً تجربه می کند و این نقطه مقابل فرد انتزاعی است. او در سال ۱۸۳۴ می نویسد «مسیح تعلیم نمی دهد، عمل می کند. او هست.»[13] به این ترتیب «... کی یر کگور عقیده داشت که فضای عمومی محکوم است که به جهانی بی گرایش بدل شود که در آن هر کسی درباره همه موضوعات عمومی نظر و تفسیری دارد، بی آنکه نیاز به تجربه دست اولی احساس کند و بی آنکه هیچ مسئولیتی در این مورد بپذیرد یا از او بخواهند که مسئولیتی بپذیرد.»[14] و این یعنی یک فاجعه تام و تمام و پایان مسیحیتی که او، آن را به شیوه اگزیستانسیالیستی خود تعبیر می کرد. در اینجا او آن خوش بینی هابرماس را که به «... بازیابی فضایل اخلاقی و سیاسی در حوزه عمومی توجه دارد»[15] را ندارد و اعتقاد دارد که دیگر هیچ راه حلی برای نجات حوزه عمومی وجود ندارد زیرا این حوزه از همان آغاز سرچشمه همسان سازی است و صرفاً تولید انسان انتزاعی می کند. در اینجا لازم است که در مورد رابطه حوزه عمومی و قدرت سیاسی و وظیفه فرد، به صورت مختصر توضیح داده شود.

پی نوشت ها:
۱۰- همان، ص ۱۳۶.
۱۱- نشریه شرق، عنوان: کی یر کگور در بزرگراه اطلاعاتی: نهیلیسم از مطبوعات تا اینترنت/ هیدبرت دریفوس، ترجمه علی ملائکه، ۸۳/۲/۱۴.
۱۲- همان.
۱۳- اندیشه هستی، ص ۱۴.
۱۴- روزنامه شرق، پیشین.
۱۵- همان.

بخش دوم

سرطان غیر از درد، هزینه دارد
موسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان "ممک"
تلفن: ۲۲۴۵۱۴۱۴ و فاکس: ۲۲۴۴۵۴۵۴
شماره حساب ۴۴۴۴ بانک صادرات شعبه قائم مقام فراهانی کد ۱۴۴۵
info@mahak-charity.org

اطلاعیه پذیرش دانشجو
دانشگاه بین المللی آریا
در کشور ارمنستان
برای سال ۸۶-۸۵ (۲۰۰۷-۲۰۰۶) در رشته شرق شناسی
با گرایش ایران شناسی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری
دانشجو می پذیرد جهت اطلاع بیشتر به سایت
www.armunieg.com مراجعه نمایید.

فراخوان شماره ۵۲۲۲۹۰۱۸
K.S.C
شرکت فولاد خوزستان در نظر دارد، **احداث تصفیه خانه پساب صنعتی خود را ظرف مدت ۱۸ ماه شامل: طراحی، خرید و اجرا (EPC) از طریق مناقصه با شرایط ذیل** به شرکتی توانمند و باتجربه و دارای تجهیزات و امکانات کافی، منابع انسانی مناسب و رتبه بندی از سازمان مدیریت و برنامه ریزی در رشته آب واگذار نماید:
۱- میزان پساب تولیدی فعلی ۳۰۰۰ متر مکعب در روز
۲- میزان پساب تولیدی آتی ۵۷۱۵ متر مکعب در روز
۳- پساب تصفیه شده جهت استفاده مجدد برای توسعه فضای سبز اختصاص می یابد.
به همین دلیل از شرکت های معتبر و علاقه مند در این خصوص دعوت می شود، تا تاریخ ۸۵/۶/۲۰ ضمن اعلام آمادگی، مشخصات و سوابق شرکت خود را جهت بررسی و تشخیص صلاحیت به آدرس: اهواز، کیلو متر ۱۰ جاده اهواز- بندر امام خمینی (ره)، شرکت فولاد خوزستان، مدیریت خرید خدمات و قراردادها، واحد قراردادهای خدمات فنی ارسال یا با تلفن های ۴۲۱۵ و ۴۲۱۴-۹۳-۰۶۱۱ و دورنگار ۲۲۷۹۱۶۲-۰۶۱۱ و در خصوص مسائل فنی با تلفن ۳۶۸۰-۹۳-۰۶۱۱ تماس حاصل فرمایند.
روابط عمومی شرکت فولاد خوزستان

شرکت سهامی فرش و گلیم
فرش دستباف تبریز
تسهیلات خرید فرش دستباف
۸۰٪ با اقساط ۱۲ ماهه
تا سقف ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
تا یکسال پس گرفته می شود
● فروشگاه مرکزی: تهران- خیابان ولیعصر - تقاطع طالقانی ● فروشگاه شماره ۳: شمیران- سعادت آباد- خیابان علامه شمالی
● فروشگاه شماره ۲: تهران- خیابان طالقانی - روبروی سینما قیام ● فروشگاه شماره ۴: مشهد- مرکز تجاری الماس شرق
روابط عمومی شرکت سهامی فرش و گلیم